

فرهنگ در شهر

جی. مارک شوستر

آلمان و موزه درحال احداث گونهایم در بیلباتوی اسپانیا. دولت فرانسه با راه اندازی چند پروژه عظیم در پاریس، از جمله مرکز پومپیدو، اپراخانه باستیل، برنامه های گران لوور و گران آرشه در غرب شهر، از فکر ساختن امکانات فرهنگی به خوبی استقبال کرده است.

مراکز فرهنگی

در اواخر دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، ساختن مراکز فرهنگی به عنوان راه حلی برای مشکلات سازماندهی آثار هنری و در دسترس قرار دادن آنها، مورد توجه قرار گرفت. این مراکز می توانستند انبوهی از فعالیتهای گسترده را به وجود آورند و امکان رویارویی و مقایسه های هنری را فراهم کنند. آندره مالرو در فرانسه، به «خانه فرهنگ» خود بسیار امیدوار بود. وی معتقد بود که این خانه ها «محل ملاقاتی با هدف عرضه انواع گوناگون سرمایه فرهنگی گذشته و حال، با بالاترین کیفیت بدون محروم کردن احدی، به وسیع ترین طیف مخاطبان» است.

با این وجود، تجربه عملی به دست آمده در مورد مراکز فرهنگی متفاوت بوده اند. بسیاری از آنها به بازارهای خرده فروشی محصولات فرهنگی تولید شده در مراکز (شهرهای) فرهنگی قدیمی بدل شدند. تعداد زیادی نیز به تناسب تقاضاهای محلی تأسیس شدند. مهمتر از همه اینها، از دیدگاه شهرسازی، این خطر وجود داشت که این مراکز فعالیتهای فرهنگی را به یک جزیره محدود کنند. راه حل های دیگر توزیع جغرافیایی مؤسسات و فعالیتهای فرهنگی در شهر، بعداً اتخاذ شدند.

توسعه های همراه با اهداف و

کاربردهای دیگر

این نوع توسعه — که در آن هنر با کاربردهای دیگر

شهرهایی که طی قرنها

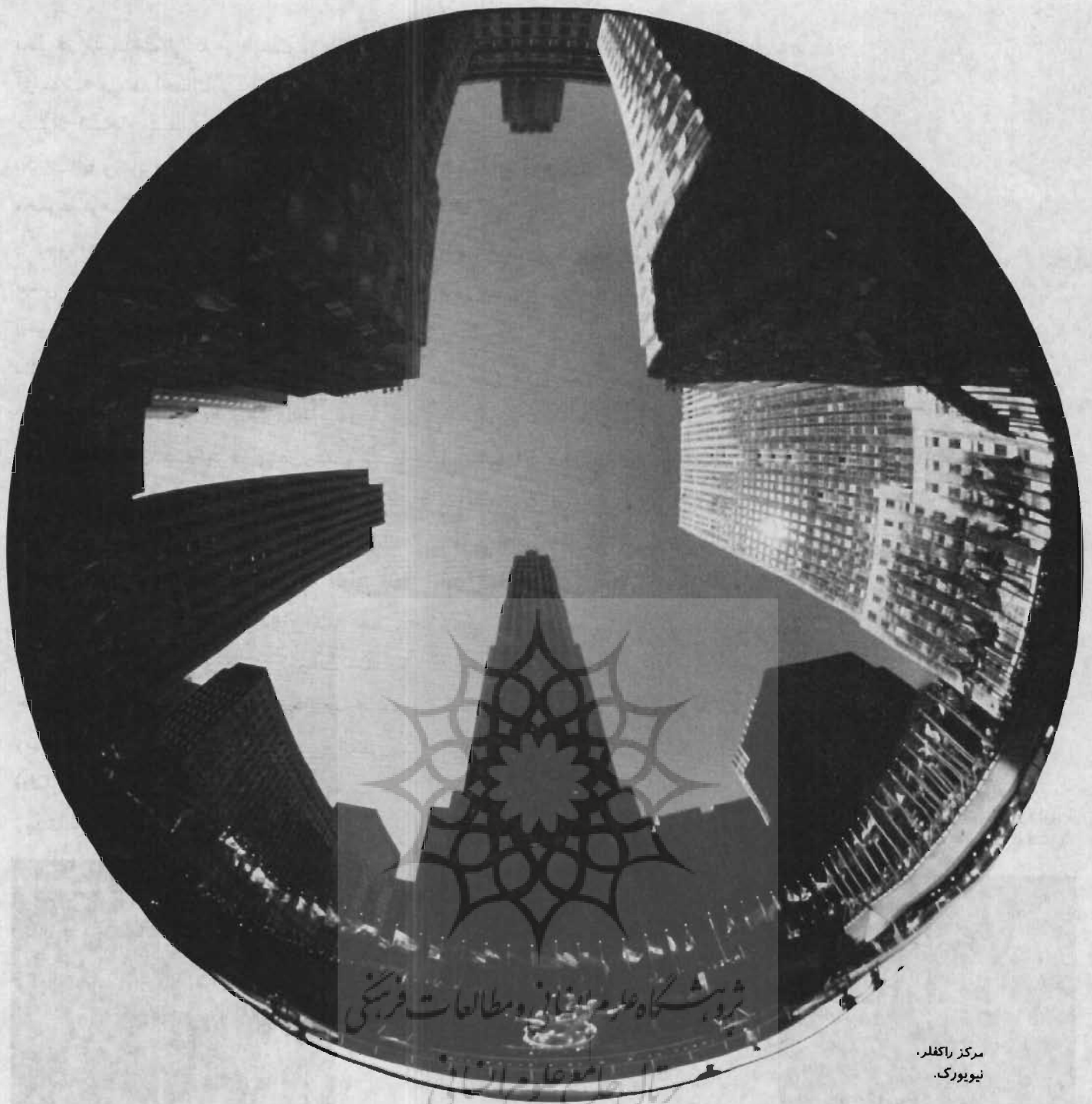
با آرمانهای فرهنگی شان شکل گرفته اند، گواهان بی همتای تاریخ هنرها هستند.

هنر و فرهنگ، دیری است که با شهرها عجین شده اند. در شهرها بود که مردم برای تبادل نظر و هماهنگ کردن خلاقیت های یکدیگر گرد هم آمدند و مازاد درآمد اقتصادی که می توانست حامی هنرها باشد انباشته شد و باز در شهرها بود که مخاطبان تشویق گر و منتقد حضور داشتند. نمادهای فرهنگ شهری یونان، ورزشگاه، آسایشگاه، و تئاتر بود — که مشوق تبادل فرهنگ از راه سفر و زیارت، یعنی در واقع طلایه دار جهانگردی فرهنگی کنونی، بودند.

طراحی خوب شهری

شهرها خود نیز مصنوعات فرهنگی هستند. بسیاری از آنها برای آنکه آراسته و تبدیل به زاینندگان زندگی سعادت مندانه گردند، هنرمندان، طراحان و معماران را به کار گماردند. این سنت امروز نیز کاملاً زنده است. سفارش دادن پیکره برای مکانهای عمومی شهر در مقیاس گسترده، در شهرهای بزرگ جهان رواج یافت که بعضی مهمترین مجموعه های هنری خارج از موزه ها را پدید آوردند و بعضی دیگر فقط یک کار هنری عظیم را به صورت تصویر نمادین خود درآوردند، چنانکه پاریس در یک قرن پیش با احداث برج ایفل به چنین کاری دست زد.

فکر قدیمی دیگری که هنوز جاذبه اش را از دست نداده است، ساختن امکانات فرهنگی به عنوان نمادهای آشکار تعهد فرهنگی یک شهر است. نمونه های آشنای این گونه بناها عبارت اند از: اپراخانه سیدنی در استرالیا، مرکز کندی در واشنگتن دی. سی. آمریکا، مجموعه موزه لودویک در کلن



مرکز راکفلر،
نیویورک.

پرداختند. ترکیب عجیب انگلیسی مریض بودن و خوش گذراندن، عامل مهم توسعه شهرهای آب معدنی در بات، باکستون و چلتنهم شد. در ایالات متحد، توسعه‌های آمیخته با کاربردهای دیگر، به دو دلیل دوباره کشف شدند: ۱. اجتناب از سترون بودن کاربردهای مجزا ۲. برطرف شدن مشکلات دیرینه و مزمن مالی مؤسسات فرهنگی با هدف تأمین کمک درآمد توسط فعالیتهای فرهنگی. مرکز فرهنگی راکفلر در نیویورک (تأسیس سال ۱۹۳۱) در اصل با هدف تأمین مکانی برای اپرای متروپولیتن و تأمین هزینه فعالیتهای آن از

درهم می‌آمیزد - مدتهاست در چندین شهر اروپایی دیده می‌شود. چنانکه دیوید پراتلی، کارشناس هنری انگلیسی، گفته است: «در پاریس، توسعه تجاری باغهای پاله رویال در دهه ۱۷۸۰ میلادی، برای ایجاد مراکز خریدی در اروپا، خبر از مرکز خریدی شهری و حاوی جنبه‌های فرهنگی متعلق به شهر قرن بیستمی امریکایی می‌دهد. در انگلیس تئاترها و تالارهای اجتماعی که عموماً برای اجرای نمایش، برگزاری مجلس شادمانی و صرف شام و نیز باغهای تفریحی که استادانه طراحی شده بودند، به تلفیق طبیعت، هنر، غذا و موسیقی در یک مجموعه

محل درآمد ساختمانی که می‌بایست در طبقه بالای آن ساخته می‌شد، احداث گردید. گرچه چنین کاری هرگز انجام نشد، تالار موسیقی رادیوستی، نگارستانها و تئاترها همه به عنوان بخشهایی از مجموعه فرهنگی را کفلر احداث شد.

حوزه‌های فرهنگی بر دو نوع است: ۱. حوزه‌های مبتنی بر برنامه‌ها و منابع هنری که می‌توان آنها را «حوزه‌های هنری» نامید؛ ۲. حوزه‌های متکی بر منابع تاریخی که می‌توان آنها را «حوزه‌های میراث فرهنگی» خواند. در حوزه‌های هنری، تأکید و تمرکز بیشتر بر گنجانیدن توسعه فرهنگی در رشد و توسعه کلی شهر بوده است تا محدود کردن آن در یک مرکز هنری. در برخی موارد، این کار از راه حفظ امکانات فرهنگی متروک مانده و گسترش ناحیه اطراف آنها انجام شده است. هر از گاه، حوزه‌های کاملاً جدید فرهنگی، مثل حوزه هنری دالاس (در امریکا) یا حوزه آنتی‌گون در مونپلیه فرانسه از دل طرحهای وسیع توسعه دوباره به وجود آمده‌اند. در فرانکفورت (آلمان) به پیروی از این اندیشه، بین دو ساحل رودخانه ماین و رومبرگ، بیست و دو موزه، هشتاد

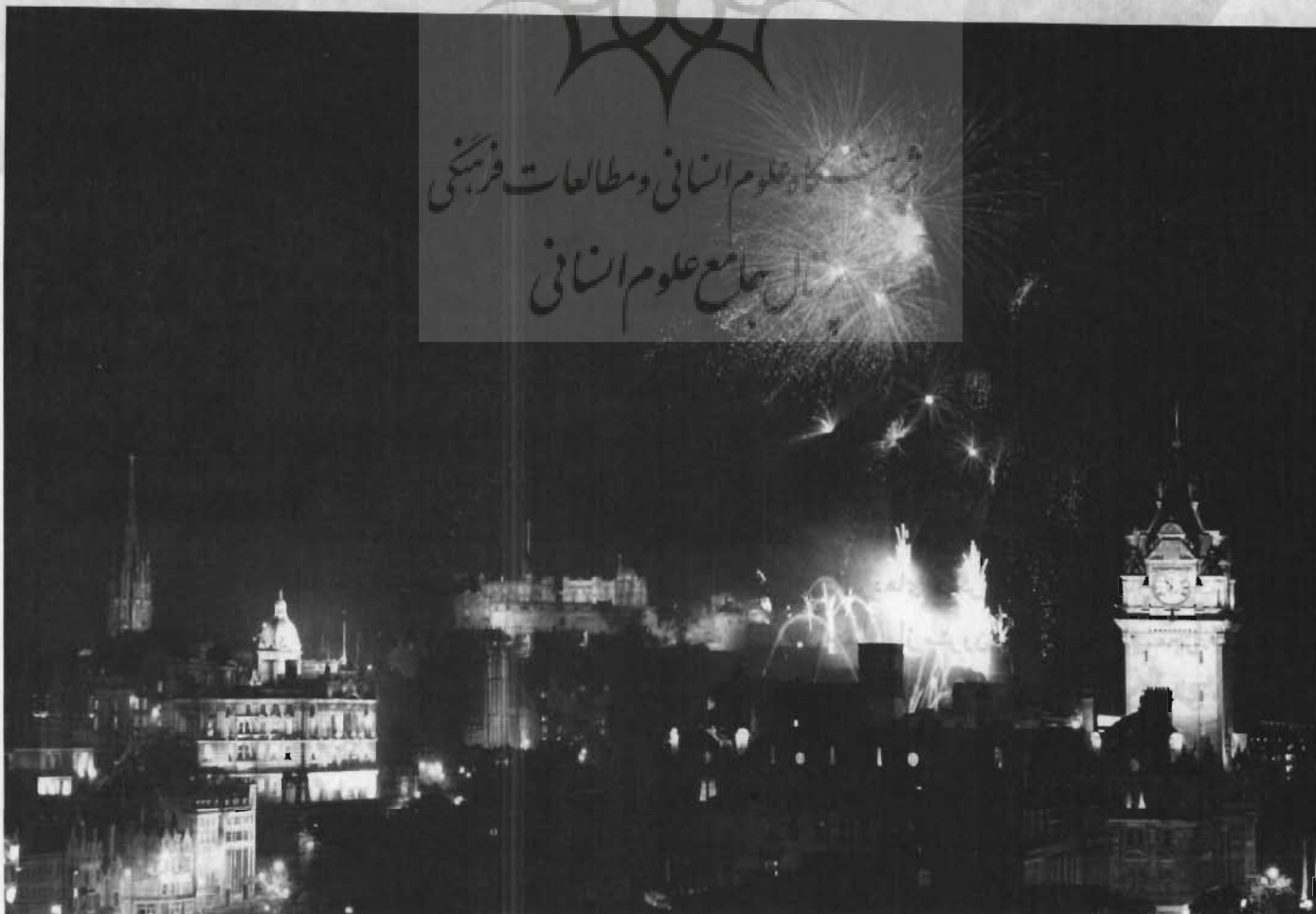
گالری، هفده تئاتر و چهار تالار کنسرت ساخته شد که عملاً تمرکز بی‌سابقه‌ای از امکانات فرهنگی است.

شهرهای فرهنگ

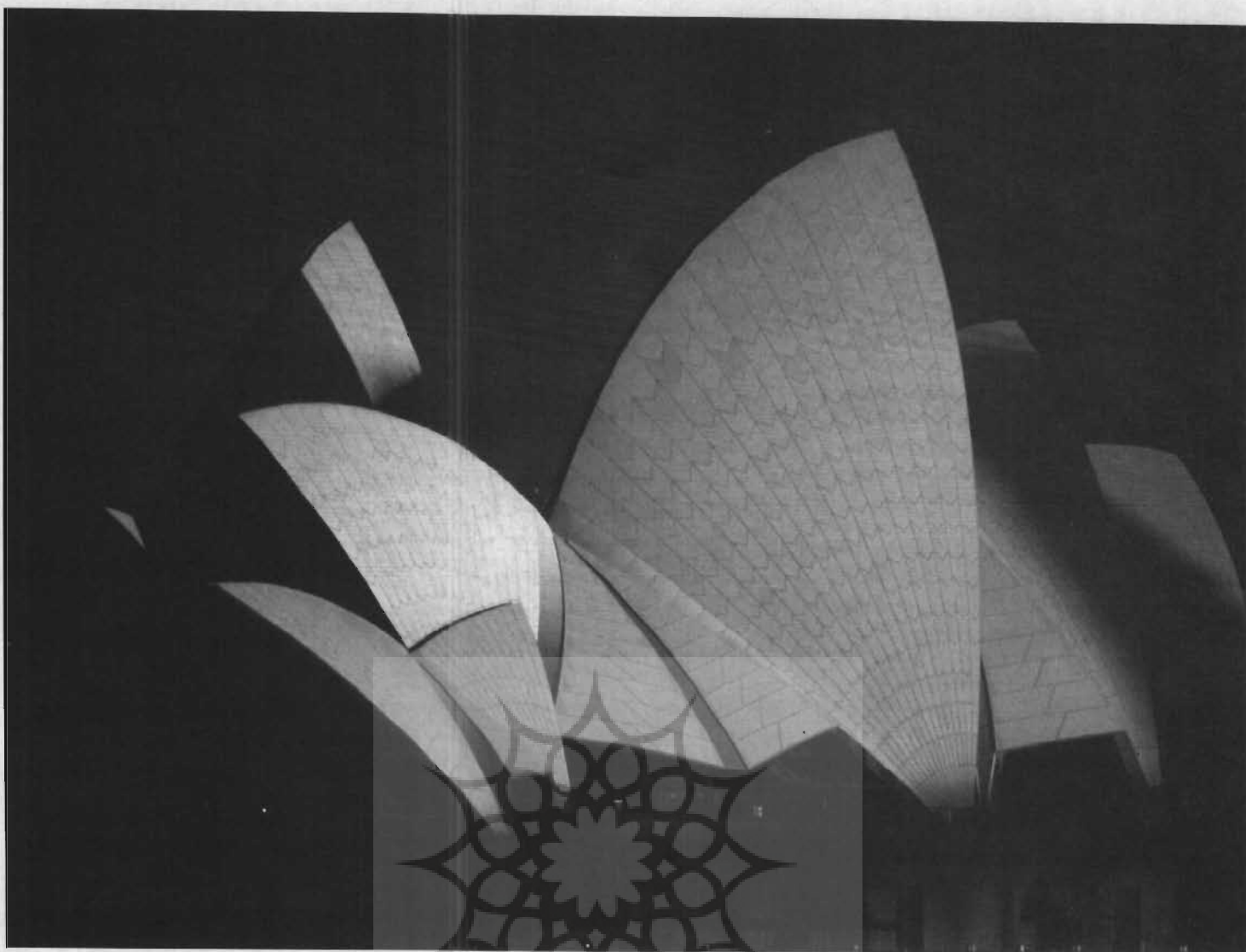
ایده نظری جدیدتر حاکی از آن است که مرزهای ناحیه فرهنگی به مرزهای خود شهر گسترش یابد. یک پیشنهاد برای جلوگیری از زوال و افت شهر و نیز، برای ساکنان دائمی آن، جلب هنرمندان به زندگی و کار در این شهر و همچنین تمرکز صنایع فرهنگی و توسعه مؤسسات فرهنگی در پیرامون زیرساخت فرهنگی موجود شهر است.

گام دیگر در راه عملی کردن این طرح، برنامه شهر فرهنگ اتحادیه اروپاست. هدف این برنامه در ابتدا شناسایی آن شهرهای اروپایی بود که از نظر زندگی فرهنگی عمومی الگو هستند، اما به مرور تبدیل به برنامه‌ای شد که برای پیشرفت و ارتقای کیفیت رهاوردهای فرهنگی شهرها انگیزه ایجاد کرد. کوشش موفقیت‌آمیز گلاسکو برای تبدیل شدن به شهر اروپایی فرهنگ در سال ۱۹۹۰ از همه سو به عنوان نقطه عطفی در تجدیدحیات شهری آن

آتش‌بازی در جشنواره ادینبورگ، (انگلستان).



مؤسسه‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی



اپراخانه سیدنی در استرالیا
که توسط یورن اوگزن
طراحی شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی رتال جامع علوم انسانی

محسوب شد.

درآمده اند. این فکر در بیش از ۱۳۰ شهر کشور
امریکای شمالی مورد استقبال واقع شده است و
اتحادیه جشنهای نخستین شب سال در تلاش است تا
اندیشه جشن شب سال نو، هنر و فرهنگ را به
شهرهای سراسر دنیا گسترش دهد.

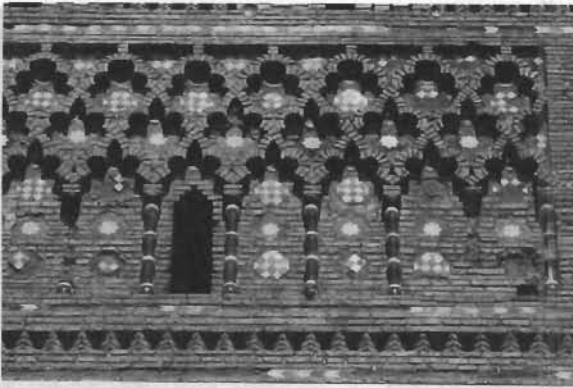
ضرورتی نیست که جشنواره‌ها منحصرأ مبتنی بر
هنرهای نمایشی باشند. بی‌نیاهایی که در بولونیا و
و نیز برگزار می‌شوند به عرضه هنرهای دیداری
می‌پردازند و نمایشگاههای تجاری مربوط به
محصولات فرهنگی، نوعی دیگر از جشنواره
فرهنگی را برای شهرها به ارمغان می‌آورند که از آن
جمله می‌توان به جشنواره فیلم کان و نمایشگاه کتاب
فرانکفورت اشاره کرد.

جشنواره‌ها و جشنها

علاوه بر جشنواره‌های پرسابقه‌ای چون جشنواره
ادینورو (اسکاتلند)، جشنواره آونیون (فرانسه) و
جشنواره اسپولتو (ایتالیا) که مدتهاست کم‌کم به جای
محل‌های معمولی قبلی در جایگاههای شهری برگزار
می‌شوند، نسل تازه‌ای از جشنواره‌های شهری از دل
انجمنهای هنری محلی سر بر می‌آورند تا تبدیل به
بخشی از زندگی مشترک شهری شوند. طی بیست
سال جشنهای نخستین شب، شب سال نو در بوستون،
ماساچوست، به صورت جشنواره‌هایی فرهنگی که
انبوه مردم و هنرمندان در آن شرکت می‌کنند،

جی. مارک شوستر،
J. MARK SCHUSTER
اهل امریکا و اسناد برنامه‌ریزی و
مطالعات شهری در مؤسسه
تکنولوژی ماساچوست است.

پروژه پیشتاز دهه جهانی توسعه فرهنگی



راههای انتقال فرهنگ عرب به امریکای لاتین

هدف ACALAPI (تأثیر فرهنگ عرب بر فرهنگهای امریکایی - اسپانیایی از طریق اسپانیا و پرتغال) نشان دادن آن جنبههایی از تمدن عرب است که بر امریکای لاتین تأثیر نهاد و در آنجا به شکوفایی رسید و به مبادلات بین ملتهای عرب و امریکای لاتین رونق داد.

این پروژه علاوه بر پژوهش درباره مهاجرهای دستهجمعی قرنهای نوزدهم و بیستم، در پی شناختن عناصری از فرهنگ عرب است که در شبه جزیره ایبری زنده ماندند و به امریکای لاتین راه یافتند. پروژه ACALAPI بویژه بر تأثیر هنر عرب بر هنر امریکای لاتین، بخصوص از طریق هنر و معماری مذبذبی، تأکید دارد؛ همچنین بر تکنیکهای کشاورزی و آبیاری؛ بر گیاهان و محصولات چون شکر، برنج، مرکبات و فراوردههای صنعتی؛ بر سوارکاری مثلاً شناساندن اسبهای بربری؛ بر داروسازی و پزشکی؛ بر ادبیات (تأثیر ادبیات عرب بر ادبیات امریکای لاتین و به عکس)؛ بر موسیقی و فرهنگ مردمی؛ بر زبان؛ بر رسانه‌های گروهی؛ و بر آموزش و پرورش (در اینجا هم از هر دو سو). نقش مهاجران در ایجاد گفتگو بین دنیای امریکای لاتین و دنیای عرب نیز از اهداف دیگر این پروژه است.

● برای اطلاعات بیشتر از طریق زیر تماس بگیرید:

UNESCO CLT/CID, The ACALAPI Project,
1, rue Miollis, 75732 Paris Cedex 15, France
Tel: (33-1) 45 68 43 50; fax: (33-1) 47 83 42 60

یافتن سکونتگاه در منطقه به کار می‌رفت و گویای وضعیت گروهی اجتماعی است که از طریق نیاکان مشترک و مهاجرت با هم پیوند دارند. موآنا به معنای اقیانوس است. هدف این پروژه این است که با افزایش دانش و شتاب پیوندهای تاریخی مستربک و رابسنکی مستربک به اقیانوس موجب تحکیم پیوندهای بین مردم منطقه شود؛ دانش سنتی و علمی نسبت به دنیا را افزایش و رواج دهد؛ برای حفظ منافع تمام منطقه اداره درست و حفاظت و استفاده بهینه از ذخائر دریا را به عهده بگیرد؛ و به ترویج همه هنرهای مرتبط با دریا بپردازد.

● برای اطلاعات بیشتر لطفاً با نشانی زیر تماس بگیرید:

Mr. Mali Voi,
Cultural Adviser,
UNESCO Office for the Pacific States,
P. O. Box 5766, Matautu-uta P. O.,
Apia, Western Samoa.
Tel: (685) 24276;
fax: (685) 22253.



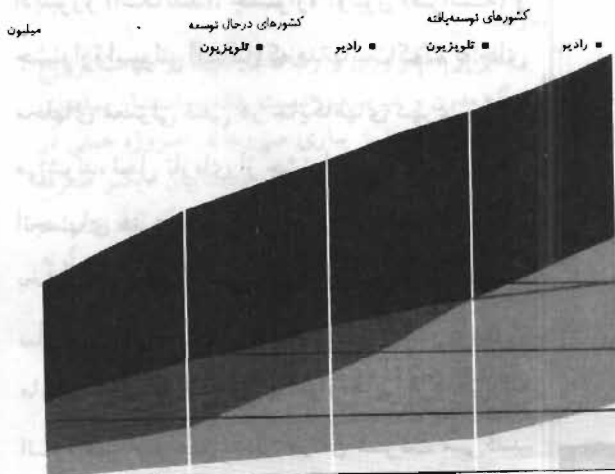
برنامه واکموآنا راههای اقیانوسی

این برنامه در پی توسعه ثروت فرهنگی جزایر منطقه اقیانوس آرام است. «واکا» به زبان مردم جنوب اقیانوس آرام به معنای «زورق» است. این زورق برای اکتشاف و

تولید فرهنگی: شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

افزایش تعداد گیرنده‌های رادیو و تلویزیونی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه

به رغم حضور نابرابر آنها، در زمینه دیداری - شنیداری شکاف بین شمال - جنوب به سرعت در حال کاهش است. ارقام نشان می‌دهد که در ۱۹۷۰، برای هر ۱۰۰۰ سکنه کشورهای توسعه یافته ۲۵۹ تلویزیون وجود داشت ولی در کشورهای در حال توسعه این رقم ۱۰ بود. به عبارت دیگر میزان تقریبی ۱ به ۲۶ بود. ارقام برای رادیو به ترتیب ۶۱۸ و ۴۵ بود، یا میزان تقریبی ۱ به ۱۳ داشت. حدود ۲۰ سال بعد، در ۱۹۹۲، این میزانها در مورد رادیو، به ندرت تغییر یافت در حالی که در مورد تلویزیون تقریباً بیش از ۱ به ۸ بود. رادیو در نواحی روستایی، همچنان جزو وسائل ارتباطی ممتاز باقی ماند. گرانی بهای رادیوها و مهمتر از آن خرید باطریهای جدید، مانع افزایش بیشتر میزان آن شد. افزایش تعداد تلویزیونها دوشادوش با رشد شهرنشینی بود. اما در عین حال که تعداد گیرندهها در جهان سوم افزایش یافت، وابستگی به برنامه‌های تهیه شده در شمال همچنان به شدت خود باقی ماند.



تجارت بین‌المللی کالاها فرهنگی توسعه یافته

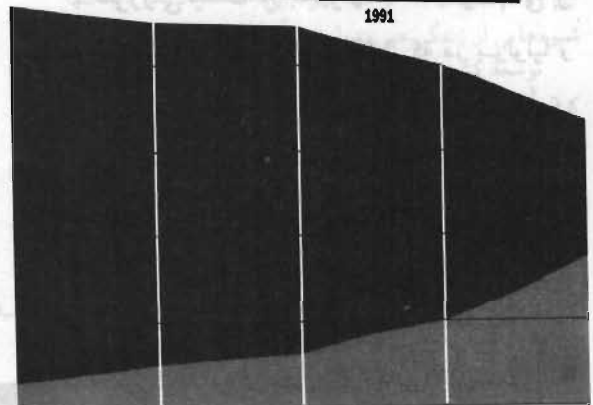
این نمودار سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در قلمرو صادرات کالاها فرهنگی (سواد چاپی، موسیقی، هنرهای گرافیک و زیبا، سینما، عکاسی، زمینه دیداری - شنیداری، بازیهای ورزشی و وسائل) را نشان می‌دهد.

این گرایش بسیار تشویق آمیز است؛ کشورهای در حال توسعه سهم خود را از کمترین ۷.۱۰٪ در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۲۳٪ در سال ۱۹۹۱ رساندند. با این همه کشورهای در حال توسعه در قیاس با جمعیتشان هفت برابر بیش از کشورهای در حال توسعه کالاها فرهنگی خود را صادر می‌کنند.

سهم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در زمینه صدور کالاها فرهنگی؛ به نسبت جمعیت در ۱۹۹۱



منبع: موسسه
شماره ۲۴ (نوامبر ۱۹۹۵)
منبع برای همه داده‌های اطلاعاتی
بهش آمار یونسکو



بازاندیشی درباره توسعه دهه جهانی توسعه (۱۹۷۷-۱۹۸۸)

سازمان ملل دهه جهانی توسعه (۱۹۹۷-۱۹۸۸) را با یوسکو به عنوان نماینده عمده خود آغاز کرد، اما تمام نظام سازمان ملل را زیر پوشش گرفت.

این دهه چهار هدف داشت:

- شناخت بعد فرهنگی در توسعه؛
- حمایت و تقویت موجودیتهای فرهنگی؛
- گسترش مشارکت در زندگی فرهنگی؛
- افزایش همکاری فرهنگی بین المللی.

برنامه کار دهه مبتنی بر دو تعریف بود که در کنفرانس مربوط به سیاستهای فرهنگی که در سال ۱۹۸۲ در مکزیک برگزار شد، به تصویب رسید. نخستین تعریف می گوید «فرهنگ شامل ترکیب پیچیده جنبه های مشخص معنوی، مادی، عقلانی و عاطفی ای می شود که ویژگی بخش یک جامعه یا گروه اجتماعی است. این تعریف نه فقط هنرها و ادبیات بلکه روشهای زندگی، حقوق بنیادی بشر، نظامهای ارزشی، سنتها و باورها را هم دربر می گیرد.» به عبارت دیگر، توسعه فرایندی فرهنگی است که نمی توان آن را از بیرون تحمیل کرد یا به عنوان هدیه ای از سوی بنگاههای خیریه توسعه تقدیم کرد، بلکه باید در داخل خود جامعه پرورده شود.

بنا به تعریف دوم که در مکزیکو تصویب شد، توسعه عبارت است از «یک فرایند پیچیده، جامع و چند بعدی که از رشد صرفاً اقتصادی فراتر می رود تا همه ابعاد زندگی و همه نیروهای یک اجتماع را که از همه اعضایش خواسته می شود که از لحاظ کمک سهمی و از لحاظ بهره وری تومی داشته باشند، دربر گیرد.

پژوهش، هدایت پروژهها و طراحی روشها و ابزارهای مناسب بخشی از برنامه کاری این دهه بوده است. بخش دیگر جلب توجه تصمیم گیرندگان و رهبران جهان به اهمیت گنجاندن ملاحظات فرهنگی در راه کارهای توسعه است. کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه هم به همین منظور تحت ریاست آقای خاویر پرز دوکوتیار، دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد، برگزار شد.



توسعه روستایی در ساحل

در منطقه «ساحل» آفریقا روند فراوانت محیط زیست بسیار سریع و همراه با فلاکت انسانی و وخیم شدن شیوه های سنتی زندگی است.

یونسکو و همتای منطقه ای اش مؤسسه ساحل، دو پروژه را آغاز کرده است. یکی از آنها بهبود روشهای دامداری را هدف خود قرار داده و دیگر تقویت ظرفیت کشاورزی، جنگلداری و دامداری را هدف گرفته است. این پروژهها شش کشور عضو CILSS (کمیته دائمی درون کشوری برای نظارت بر خشکسالی در ساحل) - بوركینافاسو، کپ، ورد، گامبیا، گینه بیسائو، مالی، موریتانی، نیجر، سنگال و چاد - را دربر می گیرد و با تأکید بر لزوم برنامه های تحقیقاتی برای بهبود شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی به رواج رویکرد محیط زیست شناختی کمک کرده است.

● برای اطلاعات بیشتر از طریق زیر تماس بگیرید:

● For further information, please contact:

UNESCO, Division of Ecological Sciences,
1, rue Miollis, 75732 Paris Cedex 15, France
Fax: (33-1) 40 65 98 97.

Web: <http://www.unesco.org/80/mab/theMabnet.html>



کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه (۱۹۹۵-۱۹۹۳)

پیشنادهای آن

عمده پیشنهادهایی که در پایان کار سه ساله کمیسیون جهانی در یک دستور جلسه بین المللی به تصویب رسید عبارتند:

- انتشار یک گزارش سالانه مستقل درباره فرهنگ و توسعه.
- تهیه راه کارهای مؤثر نوین توسعه برای آنکه عامل توسعه به طور کامل به حساب بیاید.
- به حرکت درآوردن داوطلبان میراث فرهنگی در سطح بین المللی.
- یک برنامه بین المللی برای برابری جنسی.
- اجرای سیاستهایی که به منظور سهولت دسترسی و گوناگونی و رقابت در نظام بین المللی رسانهها طراحی شده است.

- ترویج حقوق و نظم متکی به خود رسانه ای
- حمایت از حقوق فرهنگی به منراه حقوق انسانی
- یک سازمان ملل متمرکز بر ملتها
- یک گردهمایی جهانی از سران دولتها درباره فرهنگ و توسعه.

آغاز کار

یونسکو دوازدهمین سازمان ملل، در پایان سال ۱۹۹۲، کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه را تشکیل داد. این کمیسیون مستقل مرکب از ۱۲ چهره مهم در زمینه های گوناگون، از جمله چهار برنده جایزه نوبل، و سرپرستی خاویر پرز دوکوتیار، دبیرکل پیشین سازمان ملل، نخستین گزارش جهانی عملی را در ارتباط با فرهنگ و توسعه تدارک دید. هدف عمده این سند، با عنوان تنوع خلایق ما، شکل دادن به راه کارهای فرهنگ و توسعه ملی در قرن بیست و یکم است.

اعضای آن

رئیس

خاویر پرز دوکوتیار (پرو)

اعضای افتخاری

شاهزاده حسن بن طلال (اردن)، اوتگ شان شو کابی (میانمار)، کلود لوی استروس (فرانسه)، ایلیا پریگوزین (بلژیک)، درک والکوت (سنت لوجیا، الی وایسل (ایالات متحد)

اعضا

لورد آریسپه (مکزیک)، یورو ک. فال (سنگال)، کورت فورگلر (سوئیس)، چلسو فورتادو (برزیل)، نیکی گولاندیس (یونان)، کیت گریفین (بریتانیا) محبوب الحق (پاکستان)، الیزابت خلین (آرژانتین)، آنزلین کلما (زیمبابوه)، آل هنریک ماگا (نروژ)، نیکوتا میخائلف (فدراسیون روسیه)، شاهی ناکنه (ژاپن) ایلا تلخ (مصر)

ناظران

لوئیس برناردو هونوانا (موزامبیک)، آقای سیناکانت ماهابانرا (هند)